

هو الحکیر الخلیف

خردنامه صدر

فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه اسلامی

سال ۲۳، شماره ۳، پیاپی ۹۱

بهار ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: بنیاد حکمت اسلامی صدرا

مدیر مسئول و سردبیر: آیت الله سید محمد خامنه ای

هیئت تحریریه

آیت الله سید محمد خامنه ای..... رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر احمد احمدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا اعوانی..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رضا داوری اردکانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر کریم مجتهدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر سید مصطفی محقق داماد..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مقصود محمدی..... دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

ویراستار..... دکتر مقصود محمدی

مدیر اجرایی..... مهدی سلطانی گازار

مترجم انگلیسی..... دکتر رؤیا خوئی

ویراستار انگلیسی..... دکتر علی نقی باقرشاهی

شاپا: ۰۸۷۴ - ۱۵۶۰

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلا، مجتمع

امام خمینی (ره)، ساختمان ۱۲، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹

دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

تلفن: (مقالات) ۸۸۱۵۳۲۲۱

(اشتراک و فروش) ۸۸۱۵۳۵۹۴

پست الکترونیک: siprin@mullasadra.org

پایگاه اینترنتی: kherad.mullasadra.org

چاپخانه: نقره آبی



فهرست مطالب

سرمقاله..... ۳

تشکیک خاصی وجود از دیدگاه آقا علی مدرس و تفاوت آن با

سایر انواع تشکیک خاصی..... ۵

دکتر سید شهریار کمالی سبزواری

تحلیل کارآمدی نظریه وضع الفاظ برای ارواح معانی..... ۲۳

دکتر عبدالله میراحمدی، دکتر مونا امانی پور

بررسی تطبیقی مبانی فلسفی ابن سینا و ملاصدرا در ارتباط با تکامل

برزخی بر اساس متون دینی..... ۳۹

امینه احمدی، دکتر سید صدرالدین طاهری

بررسی منطق أسفار اربعه ملاصدرا و استفاده از آن برای ارائه

الگوی فراگیر و نوین در تبیین مراحل اندیشه عقلانی..... ۵۵

ابراهیم خانی، دکتر مجید صادقی حسن آبادی، دکتر مهدی

امامی جمعه

ترسیم الگوی مدیریت سازمانی بر اساس تعامل نفس و قوا..... ۷۵

دکتر مصطفی عزیزی علویجه، دکتر سید احسان رفیعی

علوی

رتبه بندی وجودی حواس ظاهری بر مبنای حکمت متعالیه..... ۹۳

دکتر فروغ السادات رحیم پور، جمال احمدی

تبیین تحلیلی موضوع حرکت از دیدگاه ملاصدرا

و نوصدراییان..... ۱۰۷

زینب نادى، دکتر مهدی نجفی افرا

۱. بنابر تأییدیه شماره ۳/۱۳۷۰۸۵ مورخه ۹۱/۰۷/۰۲ از

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خردنامه صدرا دارای

درجه علمی - پژوهشی است.

۲. خردنامه صدرا در پایگاه های زیر نمایه میشود:

- پایگاه مجلات تخصصی فلسفه جهان؛

Philosopher's Index

- پایگاه استنادی علوم اسلامی؛ ISC

- پایگاه مجلات تخصصی نور؛ Noormags

- بانک اطلاعات نشریات کشور؛ Magiran

راهنمای تدوین مقاله

- خردنامه صدرا بطور تخصصی فقط مقالاتی را که مربوط به حوزه فلسفه و علوم عقلی، مستدل و مستند به منابع معتبر باشد، برای چاپ میپذیرد.
- مقالات ارسالی باید مبتنی بر تحقیق و حاوی نکته‌ی بدیع و ابتکاری باشد، از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و اصالت زبان فارسی در آن بدقت رعایت شود.
- مقالات باید دارای چکیده (حدود ده سطر) و کلیدواژگان (حداکثر ده واژه) بوده و چکیده و کلیدواژگان انگلیسی نیز به آن ضمیمه شده باشد.
- لطفاً در ابتدای مقاله، عنوان مقاله، نام نویسنده، رتبه علمی و محل فعالیت (هرکدام بدو زبان فارسی و انگلیسی) و نیز نشانی بصورت دقیق در برگه‌ی جداگانه ذکر گردد.
- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه یا طرح پژوهشی باشد یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- مقالات به رایانامه (ایمیل) مجله ارسال گردد. حتماً مرقوم شود «مربوط به خردنامه صدرا».
- رعایت اصول نشانه‌گذاری و ذکر نامهای غیرفارسی بزبان اصلی و نیز برجسته کردن نقل قولها ضروری است.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در جایی بچاپ رسیده باشد و ارسال آن نیز برای خردنامه صدرا تعهدی نسبت به چاپ ایجاد نمیکند اما خردنامه از حق تجدید چاپ و نیز نشر مقالاتی که پس از داوری دقیق و تأیید هیئت تحریریه بچاپ برسد، بصورت‌های رایج دیگر بزبان فارسی و دیگر زبانها برخوردار خواهد بود.
- مقالات ارسال شده بهیچ وجه مسترد نخواهد شد.
- خردنامه صدرا در ویرایش مطالب با حفظ محتوا و مفاد آزاد است.
- مسئولیت محتوا و مضمون مقالات بعهده مؤلف است و چاپ آن در این فصلنامه تنها برای عرضه و تلاقی افکار است و دلیل بر تأیید آن نیست.
- ارجاع به آثار ملاصدرا باید منطبق بر چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا باشد.

شیوه ارجاعات

- ارجاعات در خردنامه صدرا بصورت پاورقی است؛ با ذکر نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد، شماره صفحه.
- در مواردی که بلافاصله به منبع قبلی ارجاع داده شود از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد از واژه همانجا استفاده شود.
 - در مورد مجلات و مجموعه مقالات عنوان مقاله ذکر گردد.
 - در ارجاع به منابع غیرفارسی، عنوان اصلی کتاب ذکر شود. بجای واژه‌های همان و همانجانب نیز بترتیب از علامتهای *ibid* و *idem* (بصورت ایتالیک) استفاده شود.
 - در فهرست منابع، مشخصات کامل کتاب‌شناسی هر منبع بصورت زیر فهرست گردد:
— کتابها: نام خانوادگی مولف، نام مولف. عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، مترجم، محل نشر، ناشر، سال نشر.
مثال: مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
— مجلات: نام خانوادگی مولف، نام مولف. «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، نام مجله (بصورت سیاه و ایتالیک) سال، شماره مجله، سال نشر.
مثال: اعوانی، غلامرضا. «چرا ملاصدرا را صدرالمتألهین نامیده‌اند؟»، خردنامه صدرا، ۲، ۱۱، ۱۳۸۴.
— مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام مولف، «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، گردآورنده یا ویراستار، محل نشر، ناشر، سال نشر.
مثال: ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «جایگاه ملاصدرا در فرهنگ علوم عقلی»، مکتب ملاصدرا و فلسفه‌های غربی، زیر نظر سیدمحمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۵.
— در مورد منابع غیر فارسی نیز بهمین شیوه عمل شود.



چندی پیش دانشگاه علوم پزشکی شهر آنکارا پایتخت ترکیه، پیروی از سیاستهای نادرست حکومتی و فقر فرهنگی ناشی از جدا شدن کشورشان از بدنه فرهنگ اسلامی، ضمن اقداماتی تبلیغاتی، ابن سینا را «حکیم ترک» و متعلق به ترکیه معرفی نموده و تندیس او را با همین اوصاف در مرکز آن دانشگاه نصب نموده و او را به ملت خود و دیگر ملل، حکیمی ترک معرفی کرد! و بر اساس خبرگزاری آن کشور، با همکاری سفارتخانه‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار است در مرداد امسال آئین بزرگداشتی برای ابن سینا در مساجد و در دو یست کشور برگزار کند!

با کمال تأسف و تعجب، این اقدام دولت ترکیه درباره مردی از حکمای ایرانی اصیل انجام شده است که تولدش در خراسان بزرگ و در بخارا سرزمین تحت سلطه و حکومت رسمی ایران بوده و همه عمرش را در ایران، ری و همدان و... گذرانده و ضمن آموزش و نشر حکمت (شامل فلسفه و عرفان و منطق و ریاضیات و پزشکی و نجوم و دهها دانش دیگر مرسوم آن زمان) در برخی حکومت‌های شیعی ایرانی نقش وزارت و سهمی در حکومت داشته و حکومت آنان را به حکمت و اخلاق عملی می‌آمیخته است.

پیش از آن، درباره جلال‌الدین مولوی خراسانی نیز که سرنوشت، مزار او را در سرزمینی گذاشته که روزی جزئی از پیکره ایران شناخته میشد و زبان و گویش فارسی داشت، همین اقدام انجام شد و او را ترک زبان و جزو ملت «تورک» معرفی کردند و کوشیدند که سنت سماع مرسوم صوفیان ایرانی را فرهنگی ترکی و بومی معرفی کنند تا شاید بدینوسیله فقر فرهنگی تاریخی خود را پوشیده

و بدینگونه از راه سرقت مواریث تاریخی ملل دیگر سر را بسر فرازی بالا آورند!

بنیاد حکمت اسلامی صدرا و همه مراکز دلسوز ایران و ایران‌شناسی، این اقدام اخیر دولت ترکیه را همچون اقدام پیشین آن محکوم و تقبیح میکند و از مسئولین کشور می‌خواهد که در اینباره عکس‌العمل مناسب و مؤثر انجام دهند. البته در بررسی و تحلیل تکرار چنین رویدادها، باید عوامل آنرا نیز بررسی کرد.

یکی از عوامل چنین وقایع شوم، ضعف بینش و مدیریت دولتهای پس از انقلاب و پیش از آن است که سبب تجری ملل همسایه شده و هر یک بقدر همت خود مواریث تاریخی ما را بسرقت می‌برند؛ چه مسلم است که ضعف صاحبخانه سبب جرئت همسایه میشود. در کشوری که از ابن‌سینا که حکیم و فیلسوفی بیمانند در تاریخ بوده و در همه دانشهای زمان خود حتی ریاضیات و نجوم و فیزیک و پزشکی استاد زمان و معلم ملت‌هاست - فقط به دانش پزشکی او بسنده میکند و رسماً او را به ملت خود و ملل جهان، یک پزشک قاروره بدست معرفی مینماید و حتی تصویر ابن‌سینا را طبق گزارش از روی دفاتر بیمه بر میدارند، چه انتظاری بیش از این هست که او را دیگران ترک بدانند و بسا بعدها غوری و مغول و حتی همچنانکه عربها خیام را عرب دانستند، ابن‌سینا را نیز بدلالی مضحک، عرب معرفی کنند.

میراث‌های فرهنگی و داشتن تاریخ درخشان و سابقه بیشتر در تمدن‌سازی و صدور آن به جهان، منشأ عزت و عظمت ملت‌هاست که باید آنرا شناخت و از آن حراست کرد و ملت ایران بحق و بحکم تاریخ، دارای این عزت و عظمت ملی است، بشرط آنکه مدیران مملکت قدر بدانند و بر مسند شایسته بنشانند. و کسانی که بسبب فقر تاریخی دست به سرقت مواریث و تاریخ دیگران می‌زنند باید آگاه باشند که بار بودن و پوشیدن لباس غیر بحرام، یعنی سرقت مواریث ملت ایران، نمیتوان به عزت ملی و تاریخ درخشان رسید که بالعکس، ضعف و فرودستی تاریخی آن ملت را بر ملا می‌سازد و فصاحت‌آور است.

تشکیک خاصی وجود

از دیدگاه آقاعلی مدرس و تفاوت آن با

سایر انواع تشکیک خاصی

سید شهریار کمالی سبزواری*

دانش آموخته دکترای حکمت متعالیه از دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در حکمت متعالیه مناط تشکیک خاصی، بازگشت مابه الاشتراک به مابه الامتیاز است. این، یک ضابطه و معیار عام است بگونه‌یی که بر اساس آن حداقل سه قسم تشکیک خاصی را میتوان تعریف نمود. در قسم اول از انواع تشکیک خاصی، کثرت بر وحدت غلبه یافته است بگونه‌یی که تمام موجودات و کثرات هستی صرفاً در سنخ وجود با یکدیگر اشتراک دارند. در قسم دیگر غلبه وحدت بر کثرت حاکم است بگونه‌یی که تمام کثرات عالم وجود، مراتب یک وجود واحد هستند. در این بین، قسم سوم نیز مطرح است که راه میانه‌یی بین دو قسم دیگر را در پیش گرفته است. در این قسم از تشکیک خاصی وجود که از بیانات آقاعلی مدرس در کتاب بدایع الحکم قابل استنتاج است، غلبه وحدت بر کثرت در میان کثرات امکانی حاکم است، زیرا تمامی آنها مراتب یک وجود واحد اطلاقی هستند در حالیکه میان واجب تعالی و مجموع کثرات امکانی، غلبه کثرت بر وحدت حکمرانی میکند.

کلیدواژگان

تشکیک خاصی
وحدت تشکیکی
وحدت سنخی
وحدت تشکیکی امکانی

بدایع الحکم

آقاعلی مدرس

مقدمه

انسان در مواجهه با عالم خارج بطور بدیهی تصدیق میکند که در خارج از وی واقعیتی وجود دارد که ادراکات و تحریکات او از همان واقعیت خارجی سرچشمه میگیرد. او بنحو بدیهی میداند که جهانی ورای ذهن وجود دارد که با او در تعامل دائمی است؛ جهان یکسره خیال و وهم و هیچ و پوچ نیست بلکه ورای نفس و اندیشه و ادراک او حقیقت یا حقایقی وجود دارد که متن خارج را پر کرده و عالم عین را ساخته است. پذیرش واقعیت خارجی بنحو فی الجمله، مدخل سیر و اندیشه فلسفی است زیرا با انکار آن، باب گفتگو و مفاهمه بکلی بسته خواهد شد و تبادل اندیشه که از ارکان تفکر فلسفی است مسدود میگردد. پس از پذیرش اینکه واقعیتی هست و عالم خارج از ما بنحو فی الجمله وجود دارد، این سؤال قابل طرح است که آنچه خارج و متن بیرون را تشکیل داده، چیست؟ بعبارت دیگر مصداق آن واقعیت فی الجمله که به تحقق آن اذعان کردیم،

*.Email:shahriarkamali@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۱۳

تحلیل کارآمدی نظریه وضع الفاظ

برای ارواح معانی

عبدالله میراحمدی*؛ استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی
مونا امانی پور**؛ دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

یکی از دیدگاه‌های کارگشا در توسعه‌پذیری معنا در قرآن، نظریه «وضع الفاظ برای ارواح معانی» است. این دیدگاه برگرفته از اصلی عرفانی است که بر اساس آن، مراتب طولی معنای الفاظ، روح واحدی دارند که برای تمام مصداقها بنحو حقیقی صادق است. طرفداران قاعده روح معنا، با توسعه‌دادن مفاهیم محسوس و مادی به معانی فرا عرفی، معتقدند که ویژگیهای نشئت گرفته از مصادیق واژگان، در اصل معنا تأثیری ندارند زیرا موضوع‌له الفاظ عام است. بر این اساس، حقیقت لفظ بر همه مراتب اعم از حقایق غیبی و مرتبه نازل در حد فهم عرف، قابل انطباق است. طرفداران این نظریه، مفهوم توسعه‌یافته را مرتبه‌یی از معنای کلام میدانند، بی‌آنکه مخالف با فهم عرفی و معنای لغوی واژگان باشد. در این پژوهش، ضمن تحلیل دقیق نظریه روح معنا و استخراج مبانی آن در تقریرهای گوناگون طرفدارانش، آسیبهای وارد بر آن نیز بررسی شده است. مخالفت با حمل صفات خبری بر مجاز، تمرکز بر امور عینی در معناشناسی الفاظ و بیتوجهی به دیدگاههای جدید زبان‌شناسی از مهمترین آسیبهای این نظریه است.

کلیدواژگان

روح معنا
توسعه‌پذیری معنا
زبان‌شناسی
واقعیت و مجاز
قرآن
وضع الفاظ
معناشناسی

طرح مسئله

یکی از مهمترین دیدگاههای اندیشمندان مسلمان که در راستای جاودانگی کلام الهی مطرح شده، «توسعه یا شمول معنایی» است. مطابق این دیدگاه، رابطه میان دو واژه بگونه‌یی است که معنای یکی از آنها از چنان گستره‌یی برخوردار است که معنای واژه دیگر را نیز در بر میگیرد. با اینحال شمول معنایی در تفسیر، مفهومی فراتر از علم معناشناسی دارد و دلیل این امر، رعایت قواعد تفسیری همچون التزام به واژگان عصر نزول در عین عدم انحصار فهم قرآن به مخاطبان عصر نزول است.

مدعای اصلی نظریه توسعه‌پذیری معنا در تفسیر قرآن این است که مفسر ضمن توجه به واژگان عصر

(نویسنده مسئول) Email: Mirahmadi_a@yahoo.com*

Email: Mana_996@yahoo.com**

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۶

۱. صفوی، گفتارهایی در زبان‌شناسی، ص ۱۹۱.

بررسی تطبیقی مبانی فلسفی ابن سینا و ملاصدرا در ارتباط با تکامل برزخی بر اساس متون دینی*

امینه احمدی، دانشجوی دکتری الهیات، فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
سیدصدرالدین طاهری**، استاد فلسفه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

در منابع دینی بنا بر منطق وحی، تکامل و ترقی نفس در عالم برزخ مطلبی قطعی و تردیدناپذیر است. اما کیفیت تکامل برزخی و تعارضات احتمالی آن با برزخی مبانی و قواعد فلسفی، از جمله مسبوقیت هرگونه تکامل به استعداد و حرکت و اختصاص استعداد و حرکت به ماده، ایجاب میکند تکامل برزخی تنها از راه شرع میسر باشد و فیلسوف نتواند امکان تکامل برزخی نفس را بر اساس مبانی عقلی اثبات کند.

در این نوشتار ابتدا شواهد نقلی تکامل برزخی بر اساس متون دینی بررسی میشود و سپس این امکان با توجه به مبانی دو فیلسوف بزرگ اسلامی - ابن سینا و ملاصدرا - مورد بررسی و تحقیق قرار میگیرد و ضمن مقایسه میان این دو فیلسوف بزرگ، به اثبات میرسد که بر اساس مبانی هر دو ایشان در باب حرکت، تکامل برزخی غیرممکن است، اما طبق نظر ملاصدرا در مورد مجرد مثالی نفس و اعتقاد وی به بدن مثالی اخروی، زمینه مناسبتری برای تکامل نفس بعد از مرگ تن فراهم میباشد ولی در حد کفایت نیست.

تکامل اخروی
قوه و فعل
ابن سینا
حرکت
تجرد مثالی
ملاصدرا

مقدمه

تکامل برزخی، بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان (علیهم السلام) قابل اثبات است، ولی چنین مینماید که فلسفه نمیتواند از این جهت راهگشا باشد. از جمله دلایل گرایش به این عقیده، این است که شواهدی در آثار فیلسوفان یافت میشود که با تکامل برزخی سازگاری ندارد؛ از جمله اینکه حرکت بنا بر نظر فیلسوفان، مشروط به استعداد ماده و خروج تدریجی از قوه به فعل است که در شرائط فقدان بدن مادی در برزخ سازگاری ندارد. همچنین اختلاف آراء ایشان در باب ماهیت نفس و آنچه بعد از مرگ تن از انسان باقی میماند، در این زمینه مؤثر است. در این نوشتار پس از ملاحظه شواهد نقلی، به بررسی تطبیقی حدود سازگاری یا ناسازگاری مبانی دو فیلسوف بزرگ

*. این مقاله برگرفته از رساله دکتری است.

(نویسنده مسئول) Email: ss_tahery@yahoo.com **

تاریخ تأیید: ۹۷/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۱

تکامل برزخی

کلیدواژگان

ماهیت نفس

بررسی منطق أسفار أربعة ملاصدرا و استفاده از آن برای ارائه الگویی فراگیر و نوین در تبیین مراحل اندیشه عقلانی*

ابراهیم خانی،** دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان

مجید صادقی حسن آبادی،*** دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان

مهدی امامی جمعه،**** دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه اصفهان

چکیده

أسفار أربعة عرفانی، الگویی مشهور برای تبیین مراحل سلوک توحیدی است. با تأمل در منطق أسفار أربعة عرفانی و بررسی چرایی تقسیم سلوک به این مراحل چهارگانه میتوان دریافت که این الگو از توانایی و ظرفیت بسیار مطلوبی برای تبیین مراحل اندیشه در یک سلوک نظری برخوردار است. در این مقاله برای تبیین تفصیلی این مدعا یعنی ارائه الگوی أسفار أربعة اندیشه، ابتدا با اشاره به پیشینه أسفار أربعة عرفانی به بررسی منطق موجود در آن پرداخته میشود و پس از روشن شدن چیستی أسفار أربعة عرفانی اثبات میشود که مراحل اندیشه‌ورزی مطلوب در حل هر مسئله علمی میتواند شامل مراحل کاملاً مشابه با أسفار أربعة عرفانی باشد. پس از تبیین تفصیلی این مشابهت، أسفار أربعة اندیشه در حکمت صدرایی و همچنین أسفار أربعة اندیشه در مسئله انسان‌شناسی بطور اجمالی مورد بررسی قرار میگیرد و پس از آن به تبیین برخی از احکام عمومی الگوی أسفار أربعة در حیطه اندیشه‌ورزی و مزیت‌های آموزشی استفاده از این الگوی خاص پرداخته میشود.

واژگان کلیدی

أسفار أربعة عرفانی
مراحل اندیشه
حکمت متعالیه
أسفار أربعة اندیشه
مراحل سلوک
ملاصدرا

مقدمه

ملاصدرا در نامگذاری و فصلبندی مشروحترین کتاب فلسفی خود از عنوان «أسفار أربعة» بهره میگیرد اما بجای کاربرد این موضوع در تشریح مراحل سلوک عملی، از این الگو در تشریح مراحل سلوک نظری و عقلی استفاده مینماید و أسفار أربعة عقلی را مطرح میکند. او در مقدمه این کتاب اجمالاً به چیستی أسفار أربعة سلوکی اشاره میکند^۱ و سپس تلاش مینماید تا مراحل اندیشه فلسفی خویش را نیز متناظر با آن مراحل ارائه نماید اما این ایده اجمالی در متن کتاب با تفصیل کافی پیگیری نمیشود و جز در

*. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری است.

**Email: u.khany@yahoo.com

***Email: majd@ltr.ui.ac.ir (نویسنده مسئول)

****Email: m.emami@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۶ تاریخ تأیید: ۹۶/۹/۵

۱. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۱،

ص ۱۸.

ترسیم الگوی مدیریت سازمانی

بر اساس تعامل نفس و قوا

مصطفی عزیزی علویجه*، استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، جامعه المصطفی العالمية (ص)
سید احسان رفیعی علوی**، دکترای حقوق عمومی از دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس سطح عالی حوزه علمیه

چکیده

از آنجا که خداوند متعال نفس انسانی را نمونه‌ جامعی از تمام حقایق هستی آفریده و نفس انسانی همچون مدیر و رهبری مقتدر بر مملکت خویش حکومت و مدیریت میکند، این پژوهش تصمیم دارد تا از این نفس شناسی فلسفی الهام گرفته و در اقتباسی دقیق، الگوی مدیریت رفتار سازمانی و سازماندهی برتر را بازشناسی نماید، زیرا یکی از روشهای موفق ترسیم ساختارهای اعتباری اجتماعی، استفاده از حقیقت تکوین محور فطرت تلقی میشود. این نوشتار بر پایه‌ نفس شناسی مشرب حکمت مشاء و حکمت متعالیه به تبیین رابطه‌ نفس و قوای آن پرداخته است و نظریه‌ «رابطه‌ تسخیری»، «رابطه‌ تشکیکی» را تبیین نموده و سعی کرده تا طبق این رویکردهای تکوین شناختی در دو مدرسه‌ فلسفی، رابطه‌ نفس و قوا را بعنوان دو مدل مدیریتی و رهبری به نام «مدیریت تفویضی» و «مدیریت سریانی» بازشناسی و شاخصه‌ نمایی کند. سپس در سرآمد (بخش پایانی مقاله) سعی بر تبیین یک مدل تلفیقی از این دو رویکرد شده است.

کلید واژگان

نفس

قوای نفس

مدیریت

مدیریت تفویضی
حکمت مشاء

مدیریت سریانی
حکمت متعالیه

مقدمه

مسئله‌ الگوبرداری و اقتباس از امور تکوینی، در راستای ترسیم هندسه‌ هنجاری امور اعتباری و قراردادی، یکی از مباحث مهمی است که همواره مورد توجه اندیشمندان بوده است. این موضوع در گرایشهای متنوع دانش تجربی نیز کارآمد بوده، تا جایی که بکارگیری این الگوواره^۱ در علوم زیست- فنی^۲، مورد تأیید اندیشمندان فلسفه‌ علم در علوم مختلف، قرار گرفته است؛ «هیچگاه از هیچ چیز تقلید مکن، مگر فرمهای طبیعی»^۳.

فارغ از تأیید فلسفی این گفتار و گرایش جدید به مدل‌های معنویت‌محور در دانش مدیریت^۴، بسیاری

(نویسنده‌ مسئول) Email: mostafaazizalavijeh@gmail.com *

Email: rafiealavy272@gmail.com **

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۱ تاریخ تأیید: ۹۶/۱۰/۴

1. Paradigm

2. Biotechnology and Bionic Science

3. Ruskin, *Modern Painters*, p.235.

۴. عابدی جعفری و بزرگ حداد، «مروری بر مقاله‌های

مدیریت اسلامی و مدل‌های آن»، ص ۶۲.

رتبه‌بندی و جودی حواس ظاهری

بر مبنای حکمت متعالیه

فروغ السادات رحیم‌پور*، دانشیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان
جمال احمدی**، دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان

چکیده

در سنت فلسفی حکمای اسلامی، بحث در مورد حواس پنجگانه ظاهری، طبق مبنایی خاص و با ترتیب مشخصی انجام می‌گیرد. جمهور حکما معتقدند که ترتیب حواس از اخس به اشرف عبارت است از لامسه، ذائقه، شامه و سپس سامعه و باصره، و در میان حواس پنجگانه سامعه و باصره لطیفتر و شریفترند. بر اساس مبانی حکمت متعالیه از جمله حرکت جوهری، این ترتیب جنبه وجودی و کمالی پیدا میکند و از همینرو بحثهایی که ملاصدرا در مباحث نفس در مورد حواس ظاهری انجام میدهد، عموماً وجودشناسانه است. در مورد رتبه وجودی سه حس اول، ترتیب فوق همواره محفوظ است اما در مورد برتری وجودی و سمع و بصر، گاه دلایلی میتوان یافت که حکم به شرافت سمع میدهد و گاه بنا بدلائل دیگر، شرافت بصر اثبات میشود. در این مقاله دلایلی که بر اساس مبانی حکمت متعالیه برای رتبه‌بندی وجودی حواس قابل ذکر است، بررسی و تحلیل شده و با توجه ویژه بر سمع و بصر، میان دلایل مرتبط با برتری وجودی این دو، داوری بعمل آمده است.

ملاصدرا بصر سمع

مقدمه

حواس ظاهری، حواس باطنی و قوه عاقله، قوای ادراکی انسان هستند و در این بین، حواس ظاهری عامترین، پرکاربردترین و در دسترس‌ترین ادراک کننده‌های بشری هستند. این حواس از ابتدای حیات انسان تا انتها همراه او بوده و سایر قوای ادراکی، بیواسطه یا باواسطه نیازمند آنها هستند. بتعبیر دیگر، این حواس در ریچه همه ادراکات بشر بشمار می‌روند و فقدان هر یک از آنها با فقدان و از دست رفتن بخشی از علوم مرتبط با حواس باطنی و قوه عاقله همراه است. آنچه در عبارات بالا آمد، اجمالی از ارزش و جایگاه حواس ظاهری در مقایسه با دیگر قوای دخیل در ادراک انسان است، اما وضعیت پنج حس ظاهر در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟ آیا همه این حواس بگونه‌ی علی‌السویه و یکسان برای ادراک انسان ارزشمند هستند و آیا کارکرد و داده‌های ادراکیشان به یک درجه اهمیت دارد یا رتبه وجودی

*.Email:F.rahimpour@ltr.ui.ac.ir (نویسنده مسئول)

** .Email:jml.ahmadi@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۷

رتبه‌بندی وجودی

کلیدواژگان

حواس ظاهری

تبیین تحلیلی موضوع حرکت

از دیدگاه ملاصدرا و نوصدراییان*

** زینب نادی، دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه آزاد تهران مرکزی

*** مهدی نجفی افرا، استاد گروه فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

چکیده

بحث حرکت در فلسفه از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این زوایا بحث درباره وجود و بقاء موضوع حرکت، بویژه در حرکت جوهری است که پیش از ملاصدرا بعنوان یکی از لوازم حرکت و از عوامل تشخیص آن محسوب میشد. ملاصدرا با ابداع مبانی خاص خود، نگاه به حرکت و لوازم آن - از جمله، موضوع حرکت - را تا حد زیادی دگرگون ساخت. موضوع حرکت در حرکت جوهری، در اندیشه ملاصدرا و نوصدراییان یکی از موارد بحث برانگیز و محل تشتت آراء است. ملاصدرا گاه بر نیاز حرکت جوهری به موضوع تأکید کرده و گاه از آن عدول نموده است. همین امر، در میان پیروان مکتب صدرایی از جمله علامه طباطبایی و شهید مطهری نیز محل اختلاف است. در این جستار، ضمن بررسی دیدگاههای مختلف، تلاش کرده ایم با بررسی نقاط ضعف و قوت آنها به این نتیجه دست یابیم که نه تنها حرکت جوهری نیازی به موضوع ندارد، بلکه حرکت در اعراض هم بینباز از موضوع است و با توجه به اصالت وجود صدرایی، میتوان از وجود واحد سیالی در جهان واقع حمایت کرد که خود، عین حرکت و متحرک و مافیة الحکره است و تفکیک آنها تنها در دنیای تحلیل ممکن است.

کلیدواژگان

موضوع حرکت
ملاصدرا
نوصدراییان
حرکت
عرض تحلیلی
علامه طباطبایی

مقدمه

موضوع حرکت از مسائل بسیار مهمی است که از اوایل پیدایش فلسفه، ذهن حکما را بخود مشغول داشته است. با اینکه موضوع که از آن به «متحرک» هم تعبیر میشود، یکی از لوازم حرکت است اما توجه به این نکته ضروری است که حرکت و متحرک در خارج به یک وجود موجودند، لذا بحث از حرکت، بدون شک، بحث از متحرک نیز خواهد بود. از آنجایی که حرکت نزد حکمای مشاء و اشراق تنها حرکت در اعراض تلقی میشد، بحث موضوع حرکت - چنانکه به آن خواهیم پرداخت - با معضل چندانی مواجه نبوده است. آنها با حرکت در جوهر مخالف بودند و آن را بصورت کون و فساد و یا تغییرات دفعی تفسیر میکردند و بنابراین معتقد بودند ماده، محل این

*. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

** Email: z.nadi1351@gmail.com

*** Email: Mah.najafiafra@iauctb.ac.ir (نویسنده مسئول)

تاریخ تأیید: ۹۷/۲/۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱



Contents

• Abstracts

- Particular Gradation of Being in the View of Aqa Ali Mudarres and its Difference from other Kinds of Particular Gradation
Seyyed Shahriyar Kamali Sabziwari 4
- An Analysis of the Efficiency of the Theory of Coining Words for the Spirits of Meaning
Abdollah Mirahmadi and Mona Amanipoor 5
- A Comparative Study of Ibn Sina's and Mulla Sadra's Philosophical Principles of Intermediary Development Based on Religious Texts
Amineh Ahmadi and Seyyed Sadra al-Din Taheri 6
- A Study of the Logic of Mulla Sadra's Four-Fold Journeys and their Implications for a New and Comprehensive Pattern for Explaining the Stages of Intellectual Thought
Ebrahim Khani, Majid Sadeghi Hasanabadi, and Mahdi Emami Jome..... 7
- Depiction of a Pattern for Organizational Management Based on the Interaction between the Soul and Faculties
Mostafa Azizi Alavijeh and Seyyed Ehsan Rafiee Alavi 8
- Ontological Gradation of External Senses Based on the Transcendent Philosophy
Forough al-Sadat Rahimpour and Jamal Ahmadi . 9
- An Analytic Study of Motion in Mulla Sadra and Neo-Sadrians
Zeynab Nadi and Mehdi Najafi Afra10

1. According to certificate Number 3/137085 issued on 23 September 2012 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *Kheradnameh-ye Sadra* has a Scientific-research degree.

2. *Kheradnameh-ye Sadra* is indexed in the following centers:
- Islamic World Science Citation Center (ISC)
 - Philosopher's Index
 - Magiran
 - Noormags

﴿ He is the Wise, the Omniscient ﴾

Kheradname-ye Sadra

Scientific-Research Quarterly of Islamic Philosophy

Volume 23, Number 3; Issue 91



License-holder:
Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Director and Editor-in-chief:
Prof. Seyyed Mohammed Khamenei

Editorial Board:

Prof. Seyyed Mohammed Khamenei
President of Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Prof. Gholamhossein Ibrahimi Dinani
University of Tehran

Prof. Ahmad Ahmadi
University of Tehran

Prof. Gholamreza A'awani
Shahid Beheshti University

Prof. Reza Dawari Ardakani
University of Tehran

Prof. Karim Mojtahedi
University of Tehran

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad
Shahid Beheshti University

Dr. Maghsoud Mohammadi
Islamic Azad University, Karaj

Persian Editor:

Dr. Maghsoud Mohammadi

Administrative Manager:

Jaleh Shamsollahi

English Translator:

Dr. Roya Khoii

English Editor:

Dr. Ali Naqi Baqershahi

Publisher:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute
ISSN: 1560-0874

Address: Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

P.O. Box: 15875, 6919

Telephone: (+98 21) 88153210, 88153594

Fax: (+98 21) 88493803

Email: siprin@mullasadra.org

Site: mullasadra.org

Kherad.mullasadra.org

Instructions to Authors



- ❖ *Kheradname-ye Sadra Quarterly* only publishes articles in the fields of philosophy and rational sciences with a sound theoretical basis.
- ❖ The submitted articles must be based on research and present innovative views and ideas. They should be clearly and coherently written so that the contents are internally consistent and accessible to the readership. The submissions should closely follow the composition rules and principles in Persian.
- ❖ All articles should begin with an abstract no more than 10 lines and a maximum of 10 keywords. The abstract and the keywords should also be supplied in English.
- ❖ The title of the article, the name (s) of the author (s), the academic rank and position of the author (s), the affiliation of the author (s), and the contact information of the author (s) must be accurately given both in Persian and English on a different page at the beginning of the article.
- ❖ If the submission is based on a thesis, dissertation, or research project, authors are required to acknowledge it at the beginning of the article.
- ❖ Articles should be sent to the Journal's email address. Please write in the subject box "Related to *Kheradname-ye Sadra*".
- ❖ Authors are required to observe all notation and punctuation rules in Persian. They should also provide the original spelling of non-Persian names and highlight the quotations by using quotation marks or presenting the long ones in blocks.
- ❖ The submission of an article implies that it has not been published previously, and it is not being considered for publication elsewhere, either in the submitted form or in a modified version. The submission of an article does not mean that it will necessarily be published.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the copyright for the publication of the accepted articles in different forms in Persian and other languages.
- ❖ The submitted articles will not be returned to the authors. Contributors are advised to retain at least one copy for themselves.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the right to edit the submissions while being loyal to the original content.
- ❖ The authors are responsible for the content of their articles. The publication of articles in this Quarterly serves the purpose of exchanging ideas and thoughts, and in no way does it imply that the editorial board of *Kheradname-ye Sadra* necessarily agrees with the content of the accepted articles.
- ❖ Authors should give full bibliographical details of references and list them in alphabetical order of author, following the style of the examples given below. Page numbers for journal articles should be truncated where possible. No page ranges are required for books.
- ❖ All references to Mulla Sadra's works must be in conformity with the publication information of the books published by the Sadra Islamic Philosophy Research Institute.

References

- ❖ Citations in *Kheradname-ye Sadra* should be given in the form of footnotes. Each citation must include the source title, the writer's name and family name, the volume number, the page number, and the date of publication.
- ❖ When reference is made to a previously cited book or article by the same author, use the word *Ibid* plus the page number. If the page number is also the same, use *Idem*.
- ❖ When referring to an article, it is necessary to include the title of the article and the title of the journal or edited collection in which it has been published.
- ❖ The original title of the reference and its publication information should be supplied when referring to non-Persian sources.
- ❖ The bibliographical data of each source should be given in the reference list following the rules given below:
 - Books:** Family name, name, *Title of the Book*, (in italics and bold letters, with content words capitalized), translator's name, place of publication, publisher, date of publication.
 - Journals:** Family name, name, "Title of the article", *Title of the Journal* (in italics and bold letters), volume number, issue, page number, date of publication.
 - ex: A'awani, Gholamreza, "Why is Mulla Sadra Called Sadr al-Muti'allihin?", *Kheradname-ye Sadra*, 2/11: 24-32, 2005.
 - Edited Collections:** Family name, name, "Title of the article", *Title of the Book* (in italics and bold letters), name and family name of the editor, place of publication, publisher, date of publication.
 - ex: Ibrahimi Dinani, Gholamhossein, "Mulla Sadra's Place in the Encyclopedia of Rational Sciences", in *Mulla Sadra's School and Western Philosophies*, edited under the supervision of Seyyed Mohammed Khamenei, Tehran, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, 2006.
- ❖ The same rules should be followed when listing non-Persian sources.



Abstracts

Particular Gradation of Being in the View of Aqa Ali Mudarres and its Difference from other Kinds of Particular Gradation

*Seyyed Shahriyar Kamali Sabziwari**

In the Transcendent Philosophy, the basis of particular gradation is the return of the shared element to the distinguishing factor. This is a general rule and criterion for particular gradation, based on which at least three types of such gradation can be defined. In the first type, plurality dominates oneness so that all beings and plural things in the world merely share the aspect of being in existence. In the next type, oneness dominates plurality so that all the multiple beings of the world comprise the stages of a single being. The third type of particular gradation is midway between the other two types. Based on the particular gradation discussed by Aqa Ali Mudarres in the book of *Bidayah al-hikam*, oneness dominates plurality among possible multiple beings because all of them comprise the different grades of a single and absolute being. However, between the Almighty Necessary and the collection of possible multiple things, it is plurality which dominates oneness.

Key Terms

particular gradation
graded oneness
Aqa Ali Mudarres

specific unity
possible graded oneness
Bidayah al-hikam

*PhD in the Transcendent Philosophy, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran,
shahriarkamali@yahoo.com

An Analysis of the Efficiency of the Theory of Coining Words for the Spirits of Meaning

Abdollah Mirahmadi¹ and Mona Amanipoor²

One of the useful views regarding the expansibility of meaning in the Qur'an is rooted in the theory of "coining words for spirits of meaning". This view originates in a gnostic principle based on which the vertical levels of the meanings of words have a single spirit that applies to all referents in the real sense of the word. Through expanding sensible and material concepts to meta-gnostic meanings, the advocates of the principle of the spirit of meaning maintain that the features originated in the referents of words cannot affect the real meaning because the signified objects of words are general. Accordingly, the truth of words can be applied to all levels of meaning from the level of hidden truth to a lower level which is comprehensible to all. The followers of this theory consider "expanded concept" to be a level of word meaning without rejecting the common understanding of the lexical meanings of words. In this paper, the writers have examined the defects of the theory of the spirit of meaning through an accurate analysis of its nature and extracting its principles from the various interpretations provided by its advocates. The disagreement with predicating predicate adjectives on metaphoric expressions, concentration on objective affairs in word semantics, and lack of attention to new linguistic views are among the most important defects of this theory.

Key Terms

spirit of meaning
expansibility of meaning
linguistics
Qur'an

word coinage
semantics
truth and metaphor

-
1. Assistant Professor, Department of Quranic and *Hadith* Sciences (corresponding author), Kharazmi University, Tehran, Iran, mirahmadi_a@yahoo.com
 2. PhD in the Quranic and *Hadith* Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, mana_996@yahoo.com

A Comparative Study of Ibn Sina's and Mulla Sadra's Philosophical Principles of Intermediary Development Based on Religious Texts*

Amineh Ahmadi¹ and Seyyed Sadra al-Din Taheri²

In religious sources, based on the logic of revelation, the development of the soul in the intermediate world is certain and impeccable. However, the quality of intermediary development and its probable inconsistency certain philosophical principles, such as the necessity for any kind of development to be preceded by potency and motion and allocating them to matter, makes it necessary for this kind of development to be only possible based on religious (*Shar'i*) principles. In other words, philosophers might not be able to demonstrate the possibility of the souls' intermediary development on the basis of rational principles. In this paper, the writers initially examine the traditional proofs for intermediary development based on religious texts and then investigate it in the light of the fundamental principles proposed by two prominent Islamic philosophers, Ibn Sina and Mulla Sadra. After a comparative study of their views, the writers conclude that intermediary development is impossible based on both philosophers' principles regarding motion. However, they also argue that, given Mulla Sadra's view of the Ideal immateriality of the soul and his belief in the Ideal Otherworldly body, there is a more appropriate, but not sufficient, context for the posthumous development of the body.

Key Terms

nature of the soul
Otherworldly development
potency and act
Ibn Sina

intermediary development
motion
Ideal immateriality
Mulla Sadra

*This paper has been derived from the PhD dissertation of the corresponding author.

1. PhD candidate of Islamic Philosophy and *Kalam* (corresponding author), Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran, ahmadi.amineh@yahoo.com
2. Professor at the Philosophy Department of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, ss_Tahery@yahoo.com

A Study of the Logic of Mulla Sadra's Four-Fold Journeys and their Implications for a New and Comprehensive Pattern for Explaining the Stages of Intellectual Thought

Ebrahim Kfani¹, Majid Sadeghi Hasanabadi,² and Mahdi Emami Jome³

The four-fold gnostic journeys provide a well-known model for explaining the stages of *tawhidi* (monotheistic) wayfaring. However, a study of the logic of such journeys and an investigation of the reasons for dividing mystic wayfaring into these four-fold stages reveals that this model enjoys a desirable capacity for clarifying the stages of thinking in theoretical wayfaring. In this paper, in order to provide an extensive explanation of the model of four-fold journeys for thought, the writers initially explore their logic through referring to the background of the four-fold gnostic journeys. After clarifying the essence of these journeys, they demonstrate that the stages of desirable thinking in the process of solving any scientific problem could consist of the same stages as the four gnostic journeys. Following a detailed explanation of this similarity, the four journeys of thought in Sadrian philosophy and in relation to the problem of anthropology are briefly explored. Finally, the writers examine some of the general principles of the model of the four-fold journeys in the realm of thinking and elaborate on the educational advantages of using this particular model.

Key Terms

gnostic four-fold journeys
stages of thinking
Transcendent Philosophy

four-fold journeys of thought
stages of wayfaring
Mulla Sadra

-
1. PhD candidate of the Transcendent Philosophy, University of Isfahan, Isfahan, Iran, u.khany@yahoo.com
 2. Associate Professor, Philosophy and *Kalam* Department (corresponding author), University of Isfahan, Isfahan, Iran, majd@ltr.ui.ac.ir
 3. Associate Professor, Philosophy and *Kalam* Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran, 1339smj@gmail.com

Depiction of a Pattern for Organizational Management Based on the Interaction between the Soul and Faculties

Mostafa Azizi Alavijeh¹ and Seyyed Ehsan Rafiee Alavi²

Since Almighty God has created the human soul as a comprehensive example of all beings in the world, and also because the human soul rules and manages its realm similar to a powerful administrator and leader, this study, inspired by a philosophical approach to the soul, aims to revisit the patterns of the management of organizational behavior and supreme organizational acts. The reason is that one of the successful methods of portraying valid social structures is to benefit from the truth of the creation-centered *fitrah* (primordial nature). This paper explains the relationship between the soul and its faculties based on the psychological approaches of the Peripatetic and Transcendent schools of philosophy. Here, the writers clarify the theories of “conquer relation” and “gradation relation” and try to gain a new perspective of the relationship between the soul and its faculties as two models of management and leadership, called “delegated management” and “diffused management” and explain their features. Finally, they try to provide and explain a single model based on an integration of the mentioned models.

Key Terms

soul
management
diffused management

faculties of the soul
delegated management

-
1. Assistant Professor, Department of Islamic Wisdom and Philosophy (corresponding author), al-Mustafa International University, Qom, Iran, m-azizi@miu.ac.ir
 2. Supreme Level Master at Qom Seminary, PhD in Public Law from Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, rafiealavy272@gmail.com

Ontological Gradation of External Senses Based on the Transcendent Philosophy

Forough al-Sadat Rahimpour¹ and Jamal Ahmadi²

In the philosophical tradition of Islamic philosophers, the discussion of the five-fold external senses takes place based on a particular criterion and order. Philosophers generally believe that the order of the senses from the lowest to the highest consists of touch, taste, smell, hearing, and sight, among which hearing and sight are subtler and nobler. Based on the principles of the Transcendent Philosophy, such as the trans-substantial motion, the given order develops an ontological and perfectional aspect, which is the reason why Mulla Sadra's discussions of the soul in relation to the external senses generally enjoy an ontological nature. The ontological level of the first three senses in the given order is always fixed; nevertheless, regarding the ontological superiority of hearing and sight over each other, some pieces of evidence testify to the superiority of hearing over the other, and some others testify otherwise. In this paper, the writers have examined and analyzed the reasons behind the ontological order of the senses based on the Transcendent Philosophy. Moreover, given the particular attention paid to hearing and sight, they have evaluated the reasons adduced for the ontological superiority of these two senses.

Key Terms

external senses
hearing
Mulla Sadra

ontological ranking
sight

-
1. Associate Professor of Islamic Philosophy and *Kalam* (corresponding author), University of Isfahan, Isfahan, Iran, fr.rahimpour@gmail.com
 2. PhD candidate of Transcendent Philosophy, University of Isfahan, Isfahan, Iran, jml.ahmadi@yahoo.com

An Analytic Study of Motion in Mulla Sadra and Neo-Sadrians*

Zeynab Nadi¹ and Mehdi Najafi Afra²

The issue of motion in philosophy has been discussed from different angles. One of them is the discussion of the existence and survival of the subject of motion, particularly, in the trans-substantial motion, which was viewed as one of the concomitants of motion and one of the elements of its individuation in pre-Sadrian philosophies. Through presenting his innovative principles, Mulla Sadra transformed the view of motion and its concomitants, including the subject of motion, to a large extent. The problem of motion in the trans-substantial motion has always provoked controversial debates and conflicts in Mulla Sadra's philosophical school and among neo-Sadrians.

In certain cases, Mulla Sadra emphasizes the need of trans-substantial motion for a subject, and in some other cases he overlooks it. The same point has always created some conflicts among the advocates of Sadrian school, including 'Allamah Tabataba'i and Mutahhari. In this paper, while investigating different views and their strengths and weak points, the writers conclude that the trans-substantial motion does not need a subject; rather, motion in accidents is also needless of its subject. They also maintain that, given the Sadrian principiality of existence, one can support a single fluid existence in the real world which is by itself the same as motion, the mover, and the moved, and that distinguishing them from each other would only be possible through analysis.

Key Terms

motion
analytic accident
'Allamah Tabataba'i

subject of motion
Mulla Sadra
neo-Sadrians

* This paper has been derived from PhD dissertation of the first author under the supervision of Mehdi Najafi Afra (PhD).

1. PhD candidate of Islamic philosophy, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran, z.nadi1351@gmail.com
2. Professor at the Philosophy Department of Islamic Azad University (corresponding author), Central Tehran Branch, Tehran, Iran, mah.najafiafra@iauctb.ac.ir